



استاد محمد علی طاهری

بنیانگذار طب مکمل فرا درمانی و نویسنده کتاب انسان از منظری دیگر

- عدم هم فازی با زمان**

یکی از دلایل بیماری انسان عدم هم فازی او با زمان است. همان‌طور‌که بررسی خواهد شد، این اشکال انسان را در وضعیت حرص خوردن، خود خوری و عصبی بودن قرار می‌دهد که در نهایت منجر به بیماری های جسمی، روانی و ذهنی شده، او را درگیر مشکلات بسیاری می‌کند.

یکی از نتایج حرکت در مسیر عرفان، هماهنگی و هم فازی با زمان است.

البته همراه با این تحول تعالی بخش، فرد، نسبت به اهمیت و لزوم آن نیز آگاه می‌شود. به‌طور معمول، انسان نسبت به زمان، در موضع دیکتاتوری و زورگویی قرار دارد و مایل است که زمان طبق میل و سلیقه او سپری شود؛ اما زمان به‌عنوان یکی از اجزای هوشمند جهان هستی مادی، در مقابل خواست زورگویانه او واکنش منفی نشان می‌دهد.

یعنی وقتی کسی تمایل دارد که زمان دیر بگذرد، در نظر او به سرعت سپری می‌شود و هنگامی که می‌خواهد زود طی شود، چنان کند می‌شود که برای او متوقف به نظر می‌رسد و یا به سختی می‌گذرد.

برای مثال، یک زندانی در زندان، مایل است که زمان حیس زودتر سپری شود؛ اما به عکس و بر خلاف خواسته او، هر چقدر این میل شدیدتر است، احساسی که زندانی از گذر زمان دارد، احساس کندتر بودن گذشت آن است. حتی ممکن است برای او طی شدن یک روز مانند طی شدن یک هفته از نظر فردی باشد که بیرون از زندان زندگی می‌کند؛ گویی که برای او، زمان قصد گذر ندارد.

در حالی که به‌طور هم زمان، کسانی خارج از این زندان هستند که تمایل دارند زمان دیرتر و آهسته بگذرد تا بهتر

### سری مقالات بینش – قسمت ششم

**صلح با هستی که یکی از چهار ویژگی انسان صالح است، مصادیقی دارد که شرط صدق آن در جمع آنها بوده، دو نمونه از آن صلح با زمان و صلح با فلک است. به رقم آنکه امکان دارد تلقی ابتدایی از این دو صلح نوعی بی‌تفاوتی نسبت به دقایق و وقایع را نشان دهد، مطالعه متن حاضر، منظور از آن دو و جایگاه هر یک را آشکار کرده، به سوی آن دعوت می‌کند.**

زمان زود بگذرد، جلوتر از زمان حرکت می‌کند و وقتی که می‌خواهد زمان را از حرکت باز بدارد، عقب‌تر از آن قرار دارد. در هر دو حالت، الهام و اشرافی برای اورخ نخواهد داد و او از دریافت روزی آسمانی محروم خواهد شد.

بنابراین، عرفان با ایجاد هماهنگی و همسویی با زمان، بهره‌مندی عرفانی را افزایش می‌دهد. یعنی، «هم فازی با

زمان» که دریافت الهامات و همچنین تحولات کیفی وجود

انسان (که در ارتباط جزء و کل به دست می‌آید) وابسته به

آن است، در حرکت عرفانی، به‌عنوان تحولی زیربنایی

حاصل می‌شود.

به بیان دیگر، هم فازی با زمان، یکی دیگر از اضافه کاری های مسیر کمال است که انسان در جهت تعالی، ضمن پی بردن و کشف چگونگی آن، در جهت رسیدن به این هم فازی و هماهنگی، حرکت های لازم را دنبال خواهد کرد.

همان‌طور‌که در بحث مسیر و مقصد بررسی شد، عموم افراد در زندگی خود خواهان طی مسیر (که مستلزم صرف زمان است) نیستند و تمایل دارند با حذف زمان به مقاصد خود برسند. از اینرو انسان قاتل «زمان» بوده، یکی از اجزایی که علیه او شهادت خواهد داد، «زمان» است.

به عبارت دیگر، انسان در بسیاری از مواقع موافق گذر

### بر اساس قانونی معین، در اثر میل درونی به تند یا کند شدن زمان، احساس سپری شدن آن، بر خلاف انتظار می‌شود. کمیت زمان، همواره ثابت است؛ اما احساس افراد نسبت به آن (بسته به شرایط) متغیر بوده

«زمان» نیست و به رسیدن به مقصد می‌اندیشد و در این میان، زمان مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و به‌طور قانونمند، هوشمندانه در مقابل انسان قد علم کرده، او را به ناکامی می‌رساند. زیرا نمی‌تواند از مدت زندگی خود بهره‌وری لازم داشته باشد و در برابر حرکت «الیه‌راجعون» مقاومتی نشان می‌دهد که ظلم به خویش است؛ زیرا زمان نسبت به این مقاومت عکس‌العمل نشان داده، در عمل، فرصت بهره‌مندی او را محدود می‌کند.

« و العصر، إنّ الإنسان لَمَفی حُسرٍ» (العصر آیه ی ۲) ـ

به‌زمان قسم همانا انسان زیان‌کار است.

یکی از واکنش های زمان، عکس‌العمل در مقابل هیجانات و التهاب های درونی انسان است. به‌نظر می‌رسد با بروز هیجانات کاذب، احساس گذر زمان نیز برای انسان سریع‌تر می‌شود. به‌عبارتی، با افزایش میزان هیجانات کاذب و تنش‌های ناشی از پیشرفت تکنولوژی و ترویج زندگی ماشینی، با احساس زودگذری زمان مواجه هستیم. برای مثال، پنجاه سال پیش حس زمان برای انسان بیشتر بوده است. یعنی زمان یک شبانه روز طولانی‌تر از امروز احساس می‌شده است و بدیهی است که پنجاه سال دیگر نیز گذر زمان بسیار سریع‌تر از امروز احساس خواهد شد.

### در روستا

همچنین حس زمان در شهر کوتاه‌تر از روستا است. علت این پدیده نیز آن است که در شهر هیجان و عجله بیشتر بوده، برای شهرنشینان زمان بسیار سریع‌تر از اهالی روستا می‌گذرد. عجله و شتاب در شهر به‌طور غیر مستقیم تمایل به شپری نشدن زمان است و مردم با عجله خود نشان می‌دهند که می‌خواهند زمان بیشتری در اختیار داشته باشند. این نوعی دیکتاتوری نسبت به زمان است و زمان با این خواسته مقابله می‌کند. اما در روستا که کسی در حال شتاب نیست، دیکتاتوری نسبت به زمان نیز به نسبت ساکنین شهر نخواهد بود. از طرف دیگر اهالی روستا کمتر به فکر این هستند که زمان زودتر بگذرد. در نتیجه، به‌طور کلی احساس زمان برای آنان طولانی‌تر

### یکی از واکنش های زمان، عکس العمل در مقابل هیجانات و التهاب های درونی انسان است. به نظر می‌رسد با بروز هیجانات کاذب، احساس گذر زمان نیز برای انسان سریع‌تر می‌شود

دریافت آگاهی (الهام)، عدم هم فازی با زمان است. آگاهی و الهام متعلق به کسی است که با زمان در صلح باشد. به فراخور اشتیاقی که برای دریافت آگاهی وجود دارد، پاسخ (آگاهی) ارسال می‌شود، اما این آگاهی همچون بستی ی پستی سفارشی است که در صورت حضور صاحب خانه به قرار می‌گیرد که در زمان حال قرار داشته باشد. در غیر این صورت، او غایب محسوب‌شده، دریافت پیام جاری‌شده را از دست می‌دهد. در حقیقت، وقتی که فردی می‌خواهد

### مقالات

# همراه با زمان و زمانه

### سری مقالات بینش – قسمت ششم

**صلح با هستی که یکی از چهار ویژگی انسان صالح است، مصادیقی دارد که شرط صدق آن در جمع آنها بوده، دو نمونه از آن صلح با زمان و صلح با فلک است. به رقم آنکه امکان دارد تلقی ابتدایی از این دو صلح نوعی بی‌تفاوتی نسبت به دقایق و وقایع را نشان دهد، مطالعه متن حاضر، منظور از آن دو و جایگاه هر یک را آشکار کرده، به سوی آن دعوت می‌کند.**

زمان زود بگذرد، جلوتر از زمان حرکت می‌کند و وقتی که می‌خواهد زمان را از حرکت باز بدارد، عقب‌تر از آن قرار دارد. در هر دو حالت، الهام و اشرافی شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

به بیان دیگر، پول رایج در یک مملکت که بین‌آحاد مختلف مردم آن کشور در گردش است، میزان ثابتی دارد.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

آن‌.بنابراین طرح «آرزو» و خیال پردازی درباره آن نمی‌تواند باعث ثروتمند شدن همه اقشار شود؛ زیرا با اصول اقتصاد و بانکداری مغایرت دارد. اما اگر به‌عنوان عامل ایجاد انگیزه تلقی شود، در آن صورت می‌تواند عامل مثبتی در پیگیری آن آرزو باشد که منجر به تلاش بیشتری شده، نتایجی در بر خواهد داشت.

## صبح اقتصاد

قطعی تحقق می‌یابد. در واقع، عدم کامیابی انسان‌ها در اعمال آرزوهای خود مبنی بر کنترل این پدیده‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که هیچ روشی نمی‌تواند اصول ذکر شده را لغو کند.بر خلاف نظر کسانی که با نادیده گرفتن این اصول، سعی در رواج آرزو پروری دارند و فلک را تابع جاذبه ی سخن و اندیشه انسان معرفی می‌کنند و با دقت بر این توضیحات و مثال‌ها می‌توان پی بردکه تحقق همه ی آمال و آرزوها ممکن نیست. همچنین، می‌توان دریافت که نه تنها فلک، مأمور تبعیت از آن چه انسان می‌خواهد نیست؛ بلکه همواره بر خلاف اصرار او عمل می‌کند.

از این رو نباید برای دست یافتن به آرزوها پافشاری کرد و نسبت به فلک دیکتاتور بود؛ زیرا در این صورت، هوشمندی حاکم بر آن نسبت به وقوع و تحقق آرزوها

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

مقاومت خواهد کرد. اما می‌توان پس از مرور گذرای آرزوهای زمینی (که در برخی موارد می‌تواند عامل اقدامات مؤثری باشد)، ذهن را برای همیشه از آن‌ها رها کرد؛ به گونه‌ای که گویی هرگز آن را نخواهستیم.ایم. امکان دستیابی به آن دسته از آرزوی زمینی که مورد توجه و تمرکز ما نیست، سهل‌تر فراهم می‌شود و آرزوهای رها شده آسان‌تر از آرزوهایی که به آن قفل شده‌ایم، تحقق می‌یابد.

<sup>[1]</sup> یکی از دلایل بیماری انسان عدم هم فازی او با زمان است